

مقاله پژوهشی

تبیین ویژگی‌های کاربردی منظر در باز آفرینی
بافت‌های تاریخی

مطالعه موردی: محله تخت گنبد اصفهان*

علی مؤذنی خوراسگانی

دکتری معماری منظر، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مهدی حقیقت‌بین**

استادیار و عضو هیئت علمی، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

چکیده | تداوم حیات بافت‌های تاریخی موضوعی چالش‌برانگیز برای همهٔ معماران، مرمت‌گران و سایر فعالان و مسئولان این حوزه بوده است. در این راستا مقالات، پژوهش‌ها و طرح‌های زیادی ارائه و اجرا شده است که راهکارهای پیشنهادشده در آن‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد. اول راهکارهایی که به کالبد و فیزیکی بافت‌های تاریخی پرداخته‌اند و پیشنهادهایی در جهت رفع مشکلات مرتبط با بناها و ارتباطات فیزیکی بین آن‌ها پرداخته‌اند و دسته دوم با ارائه مطالعاتی رفتاری و جامعه‌شناختی و معنایی در خصوص بافت‌های تاریخی راهکارهایی در این خصوص ارائه کرده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که هیچ‌کدام از دو دسته راهکارهای مذکور، که به نوعی نگاه گسسته عینی و ذهنی به این مکان‌های بارز است، به تنهایی نتوانسته مؤثر واقع شود. از این‌رو چگونگی به کارگیری رویکرد منظرین در حفاظت و احیای ارزش‌های بافت‌های تاریخی و تقویت جایگاه خاطره جمعی به عنوان عاملی مؤثر در تداوم حیات این مکان‌ها در برنامه‌های مربوط به بازآفرینی و احیای اصلی‌ترین مسئله این پژوهش است. در این پژوهش پس از تعریف منظر و ارتباط آن با مکان و شاخصه‌های مؤثر در تقویت این ارتباط، به تحلیل ویژگی‌های منظرین و مکانی بافت‌های تاریخی و همچنین بررسی نظریات مختلف صاحب‌نظران در این حوزه و دسته‌بندی آن‌ها پرداخته شده است. این مهم در راستای شناسایی ارزش‌های منظرین و مؤثر بر هویت منظر بافت‌های تاریخی و دستیابی به یک نقشه راه کلی به منظور باززنده‌سازی و بازآفرینی پایدار این مکان‌ها است. امروزه رویکردها و راهکارهای مختلفی دربارهٔ مرمت، احیای بازآفرینی بافت‌های تاریخی در شهرها ارائه شده است. حال آن‌که به نظر می‌رسد در بیش‌تر آن‌ها جایگاه منظر و رویکرد منظرین به عنوان عاملی مؤثر در باززنده‌سازی و بازیابی هویت این مکان‌ها بسیار کم‌رنگ است. از این‌رو اصلی‌ترین هدف این پژوهش شناسایی و به کارگیری ارزش‌های منظرین و خاطرات جمعی در مدلی برای باززنده‌سازی و بازآفرینی پایدار بافت‌های تاریخی است که بتواند به صورتی مؤثر بر خوانش و ادراک روایت این مکان‌ها در تعامل با منظر اثر گذارد. در این نوشتار که با استفاده از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و مطالعه موردی انجام گرفته، با به کارگیری روش کتابخانه‌ای و میدانی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده و به مرور مستندات مربوط به منظر و رویکرد منظرین و مکان، هویت مکان، حس مکان و سطوح مختلف آن پرداخته شده است. نگاه منظرین به عنوان رویکردی نوین در احیای و بازآفرینی بافت‌های تاریخی (به مثابه مکان) می‌تواند به حفاظت از ارزش‌های ملموس و ناملموس این مکان‌ها و تداوم حیاتشان کمک کند و البته در مقیاسی کلان‌تر، حفاظت از روایت تاریخ شهر را موجب شود. این مهم می‌تواند در افزایش حس تعلق شهروندان به شهر مؤثر باشد. حس تعلق عامل مؤثر در تداوم و پایداری مکان است. منظر مکان‌های تاریخی در اصل متنی غنی است که هرگونه دخل و تصرف، تغییر و تعامل با آن بدون قرائت و ادراک روایت مربوطه میسر نیست که از این حیث، به کارگیری نگاه منظرین به واسطه تقویت ارتباط با مکان می‌تواند مهم و ارزشمند به حساب آید. به کارگیری رویکرد منظرین در بازآفرینی و احیای بافت‌های تاریخی می‌تواند به تداوم امکان خوانش درست متن منظر و ادراک روایت تاریخی مکان در بافت‌های تاریخی کمک کند و تقویت پایداری شهرهای تاریخی را به همراه داشته باشد.

واژگان کلیدی | منظر، نگاه منظرین، تداوم، بافت‌های شهری تاریخی، بازآفرینی.

** نویسنده مسئول: mahdihaghi@modares.ac.ir ۰۹۱۲۲۴۹۱۱۵۳

کیفی، به ارائه راه‌کارهایی در باب بازآفرینی بافت‌های تاریخی از نگاه منظرین پرداخته شده است.

مبانی نظری

• نگاه منظرین

- مفهوم منظر

مفهوم منظر از سه وجه تشکیل شده است، که در یک رابطه پیچیده با یکدیگر متحد و یکی می‌شوند: سایت (زمین)، نگاه و یک تصویر. در مفهوم منظر به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی، منظر به‌صورت یک فضای دریافت‌شده در پیوند با نقطه دید انسان تعریف می‌شود (Collot, 2011). منظر، گونه‌ای دیگر از مکان (منصوری، ۱۳۸۷) و محصول تعامل انسان و محیط در فضای بیرونی است (Berque, 2010). منظر دارای ماهیت مکان و محصول تجربه انسان در فضا و پدیده‌ای است عینی-ذهنی، پویا و نسبی که در تعامل با تاریخ و طبیعت شکل می‌گیرد (منصوری، ۱۳۸۳). منظر، به‌عنوان شاخه‌ای جدید از علمی که به تحلیل و بررسی محیط زندگی بشر می‌پردازد، تفسیر غیرقطبی (غیرکارتیزین) از جهان، نگرش سیستمی و تغییر تعریف معنا از «محتوای ذاتی ماده» به حاصل بازنگری در روش اندیشیدن انسان فراهم می‌سازد (منصوری و فرزین، ۱۳۹۵). مهم‌ترین اصل در منظر سنتز یا برهم‌نهیست جزء کالبد و معنا به‌گونه‌ای غیرقابل تفکیک و جدانشدنی است. به عبارت دیگر مهم‌ترین نکته‌ای که محل تمایز رویکرد منظر با سایر علوم و گرایش‌ها می‌شود و اختلاف واضح‌تری بین این گرایش با سایر گرایش‌ها تعریف می‌کند، کل‌نگر بودن آن است. رویکرد منظر نیز مانند مفهوم منظر و بسته به میزان تأکید بر هریک از مؤلفه‌های انسان، محیط و رابطه این دو می‌تواند به‌گونه‌های مختلف بیان شود؛ درعین حال می‌توان وجوه مشترکی بین رویکردهای متفاوت استوار کرد (مثنوی، ۱۳۸۲).

منظر به‌عنوان واسطه و رابط بین انسان و مکان تصویر ۱، مفهومی است که در بسیاری از رشته‌های مرتبط با محیط، از جمله معماری، شهرسازی، منظر باستان‌شناسی، روان‌شناسی محیط و جامعه‌شناسی، مورد توجه قرار گرفته است. منظر را

مقدمه | امروزه موضوع بافت‌های تاریخی از نگاه فرهنگی، هنری و تاریخی مطلق فراتر رفته و اهمیت تداوم آن به‌مثابه یک جریان زندگی مداوم مطرح شده است (ابویی و دانایی‌نیا، ۱۳۹۰). گوناگونی معیارهای جوامع بشری برای رعایت اصالت در روند حفاظت میراث تاریخی خود به‌عنوان شاخصه‌ای از تنوع فرهنگی جهانی محترم شمرده شده است. مراد از ارزش‌های بافت‌های تاریخی آن دسته از تبلورهای عینی و ذهنی است که خاطره آن‌ها فراتر از دوران خود بوده و خاطره‌ای پایدار و تاریخی که بخشی از وجدان قوی، اجتماعی و اعتبار ملی یک جامعه هستند، تبدیل شده‌اند. آن‌چه مسلم است این ارزش‌ها در اشکال و ابعاد متنوعی در شهر نمود پیدا می‌کنند و بافت‌های شهری نیز به اعتبار آن‌ها واجد ارزش شده و بارز می‌شوند (صفا منش و منادی‌زاده، ۱۳۸۲). بهسازی بافت‌های تاریخی بدون در نظر گرفتن هویت اجتماعی- عملکردی و نیازهای فرهنگی و زندگی روزمره ساکنین، منجر به تبدیل بافت تاریخی به فضایی بی‌روح و صرفاً یک کالبد تاریخی می‌شود. بایستی تداوم گذشته و حال را مورد توجه داشت و به شهر به‌عنوان یک مجموعه و نه عناصر منفک و مجزای تاریخی شهر، بلکه به‌عنوان بافت تاریخی و یک ارگانیزم زنده و پویا نگاه کرد (پورجعفر و رضایی‌راه، ۱۳۹۲). در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که رودیکرد منظرین چگونه می‌تواند در تداوم حیات بافت‌های تاریخی مؤثر باشد؟ چه شاخصه‌های عینی و ذهنی در منظر بافت‌های تاریخی شهری می‌تواند در بازآفرینی موفق این مکان‌ها مؤثر باشد؟ چنین به‌منظر می‌رسد که توجه به منظر و ارزش‌های منظر در بافت‌های تاریخی می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد که در ادامه به تفصیل به این مهم پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

در نوشتار حاضر روش تحقیق استفاده‌شده تحلیلی-توصیفی است و جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای و براساس مرور مطالعه اسنادی، براساس مرور مستندات مربوط به تحقیقات بارز و برجسته در زمینه‌های منظر و نگاه منظرین و مکان، هویت مکان، حس مکان و سطوح آن صورت گرفته است. نوشتار حاضر در سه بخش تدوین یافته که در بخش اول نظریه‌ها و تعاریف مرتبط با منظر و هم‌چنین ویژگی‌های آن مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در بخش دوم، به بحث در خصوص عوامل مؤثر در شکل‌گیری مکان و فاکتورهای مرتبط به آن مطرح شده و در بخش سوم جمع‌بندی و مدلی از منظر، انسان و مکان مشتمل بر ابعاد، عوامل و فرایند شکل‌گیری آن ارائه شده که در نهایت با استفاده از روش تحلیل محتوای



تصویر ۱. تعامل منظر با مکان و انسان. مأخذ: نگارندگان.

شکل می‌گیرند و یا از فضاها ساخته می‌شوند. مکان‌ها نه تنها با مجموعه‌های فیزیکی، بلکه با رشته‌ای از فعالیت‌ها و فرایندهای اجتماعی و روان‌شناختی که در آن‌ها انجام می‌گیرند، مشخص می‌شوند (Stedman, 2002). مکان تنها متضمن و یا شامل محل‌های ویژه فیزیکی نیست، بلکه پر از معانی نمادین، دل‌بستگی‌های عاطفی و احساساتی است که افراد دربارهٔ یک مجموعه مشخص دارند (Dominy, 2002).

مؤلفه‌های کالبدی، فعالیت‌ها و معانی، اجزاء تشکیل‌دهندهٔ مکان‌ها است که لایه‌های عینی و ذهنی مکان را می‌سازند. دو عنصر اول از این عوامل را شاید بتوان به آسانی درک کرد، اما عنصر مهم معنا بسیار دشوارتر فهمیده می‌شود. معانی مکان‌ها ممکن است ریشه در چیدمان فیزیکی اشیاء و فعالیت‌ها داشته باشد ولی معانی تنها محصول این عوامل نیستند، بلکه انتظارات اولیه، تجربیات، نیات و مقاصد انسان‌ها به‌عنوان ناظر و استفاده‌کننده، نقش عمده‌ای دارد. بنابراین محیط نمایانگر ساخته‌های ذهنی مشترک افراد است (Carmona, 2021).

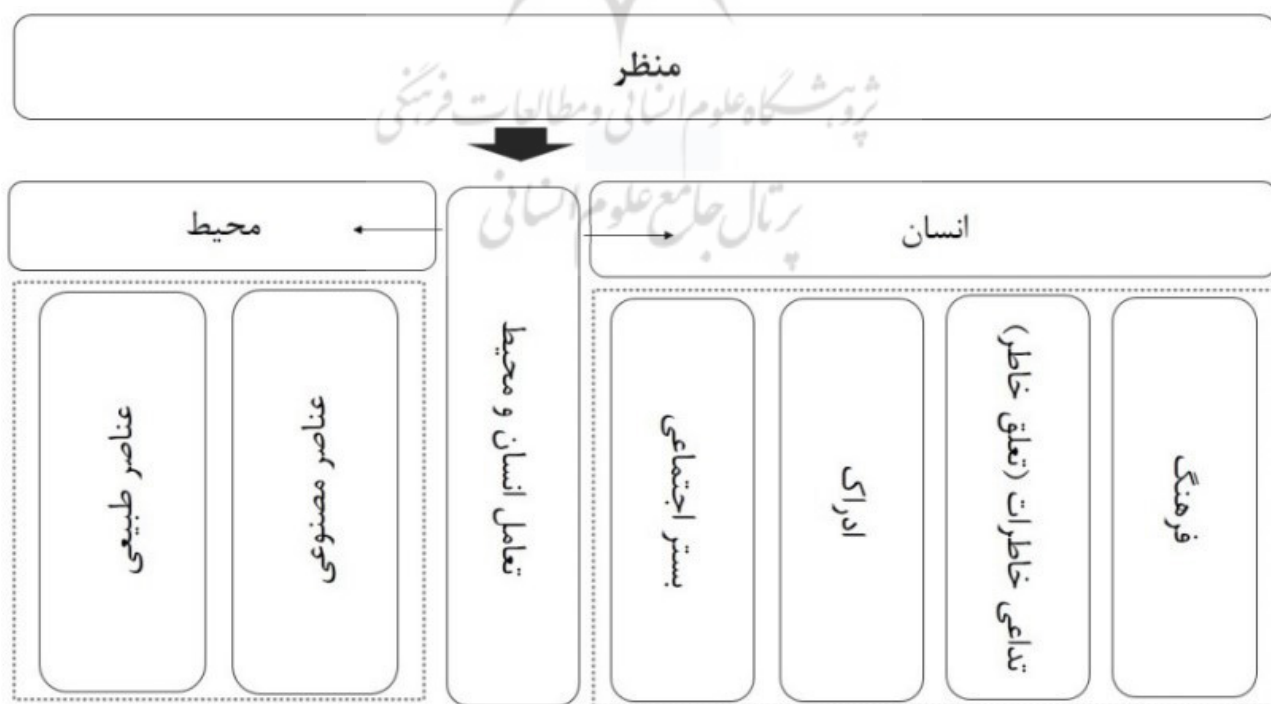
لینچ هویت یک مکان را در تمایز آن مکان با مکان‌های دیگر تعریف می‌کند و آن را پایه‌ای برای شناخته‌شدن مکان موردنظر به‌عنوان موجودیتی منحصر به فرد می‌داند. بنابراین هویت مکان با منحصر به فردسازی یک مکان می‌تواند به درستی درک شود (Lynch, 1972). هویت مکان به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان، بیش‌تر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر است تا نیازهایی که با جسم او

می‌توان به‌عنوان حاصل تلفیق فعالیت‌های انسان و طبیعت تعریف کرد که نمایانگر تکامل جوامع بشری طی زمان است. منظر به‌عنوان واسطه و رابط بین انسان و مکان، بازتاب دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و تجارب انسان در قالب چیدمان‌های فضایی است (حیدری، ۱۳۹۸). منظر به‌عنوان یک پدیدار تصویر ۲، در جریان داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها، نمادهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد (انصاری، ۱۳۹۶).

بنابراین، نقش منظر به‌عنوان واسطه و رابط بین انسان و مکان، در این است که حاصل تعامل و تبادل اطلاعات بین لایه‌های عینی و ذهنی مکان است. منظر با این نقش ارتباطی حاصل از تعامل، می‌تواند مولد حس دل‌بستگی به مکان باشد که عالی‌ترین مرتبهٔ رابطهٔ انسان و مکان را نشان می‌دهد.

- تعریف مکان

مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم، واجد معانی باشد. مردم با توجه به ادراکاتی که محیط برایشان ایجاد می‌کند، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند (Rapoport, 1982). مکان ویژگی‌های گوناگونی را شامل می‌شود که تمام این ویژگی‌ها، پهنهٔ متنوعی از معانی بالقوهٔ آن را می‌سازند. مکان به‌عنوان یک مجموعه دارای پتانسیل کمک به روندی است که در آن افراد حس مکان، تعلق و هویت را توسعه می‌دهند و آن‌ها را حفظ می‌کنند. مکان در مرکز جهان یا دنیای اجتماعی قرار دارد. مکان‌ها هنگامی که در برهم‌کنش‌های انسان با محیط‌زیست خود مطرح‌اند،



تصویر ۲. مؤلفه‌های اثرگذار بر پدیدهٔ منظر مأخذ: فارسی آستانه، حقیقت‌بین و رهبرنیا، ۱۴۰۱.

در ارتباط باشند. هویت مکان از ارزش‌های مستقیماً فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Relph, 1976). شولتز مطالعه مکان را مطالعه رویدادها و حوادثی که در آن اتفاق می‌افتد، می‌داند و معتقد است که مجموعه‌ای از رخدادها، شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها، شخصیت یک مکان یا هویت آن را شکل می‌دهد. او ارتباطی بین معماری، مکان و هویت فرهنگی برقرار می‌کند و معتقد است تجربه مکان تجربه معنای مکان است (Norberg-Schulz, 1981). منظر می‌تواند

راوی و رابط تجربه انسان از مکان باشد و از این‌رو با حس مکان و تداوم آن ارتباط مستقیم دارد. در جدول ۱ به بررسی نظرات مختلف صاحب‌نظران در خصوص مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر حس مکان پرداخته شده و مؤلفه‌های مؤثر بر تقویت حس مکان از نگاه صاحب‌نظران مختلف، مصدق ارتباط منظر با حس مکان است.

حس مکان یک پیوند پویا است که فرد در نتیجه دلبستگی به مکان، هوشیاری نسبت به مکان، تعلق به مکان، رضایت از مکان و تعهد به مکان، آن را توسعه می‌دهد

جدول ۱. نظرات صاحب‌نظران در خصوص مؤلفه‌های مؤثر بر حس مکان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	پژوهشگر	مؤلفه‌های مؤثر بر تقویت حس مکان
۱	راپاپورت	نشانه‌های کالبدی سازماندهی محیط را منوط به سازماندهی چهار عنصر فضا، زمان، ارتباطات و معنی می‌داند و به‌طور کلی آن را معادل یک‌سری ارتباطات تلقی می‌کند و معنی را ارتباط محیط با مردم می‌داند. نگرش فرد و کشف ارتباطات محیط-نمادها و سمبل‌های فرهنگی-تجارب اجتماعی-با تأکید بر نقش مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری محیط کالبدی، با طرح نظریه ارتباط غیرکلامی، محیط را مجموعه‌ای از عناصر کالبدی ثابت، نیمه‌ثابت و متحرک تقسیم می‌کند که فرد براساس کدها و انگاره‌های فرهنگی خود، معنا و مفهوم خاص خود را از محیط و عناصر آن استنباط می‌کند. از نگاه وی مکان در این رویکرد به مکانی نمادین تبدیل می‌شود که در آن هریک از عناصر به‌صورت سمبل‌وار و نمادگونه، بخشی از فرهنگ اجتماعی محیط خود را نشان می‌دهد.
۲	دیوید سیمون	مکان محیطی است که تجارب، اعمال و معانی انسانی را هم از حیث فضایی و هم زمانی جمع‌آوری می‌کند. در میان مؤلفه‌های معنا، نشان مشترکی از سه اصل تمایز، تداوم و ارتباط است که در دایره‌های محاط در مدل مکان نشان داده شده است.
۳	کانتر	طبق مدل کانتر مکان از فرم، فعالیت و معنی تشکیل شده است و دارای سه بُعد کالبدی، عملکردی و ادراکی-شناختی است. ویژگی‌های فیزیکی محیط مکان ملموس‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه مکان در مقایسه با دو مؤلفه دیگر (فعالیت و تصورات) است.
۴	رلف	مکان را متشکل از محیط طبیعی و مصنوع در کنار اعمال انسانی و معانی می‌داند که تجربه آن می‌تواند در مقیاس‌های مختلف روی دهد.
۵	نوربرگ شولتز	روح مکان را جوهره ارتباطی انسان و مکان دانسته است. حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز است و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است-حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می‌کند و وحدت به وجود می‌آورد و فضا باید هویت قابل ادراک داشته باشد و قابل شناسایی و به‌یادماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان احساس تعلق نیز به همراه دارد.
۶	کرمونا	مکان را برآیند سه عامل فرم، فعالیت و تصور فردی می‌داند که در رابطه تعاملی منجر به شکل‌گیری مکان می‌شوند علاوه بر این، در ارتباط با تداوم مدلول مکان، بیان داشته‌اند، بخش‌هایی از شهر که در طول زمان برجا می‌مانند حس پیوستگی و استمرار در مکان را ایجاد می‌کنند.
۷	جنیفر کراس	عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می‌داند و رابطه با مکان را به‌صورت‌های زندگی‌نامه‌ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری دسته‌بندی می‌کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایت‌مندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می‌کند.
۸	آلتمن	عوامل مؤثر در تقویت حس مکان را عقاید فرهنگی مرتبط‌کننده با محیط، مقیاس محیط، اختصاصی بودن، قابل دسترس بودن می‌داند.
۹	فلاح، کمالی و شهیدی (۱۳۹۶)	حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و عامل تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص است.
۱۰	کاشی و بنیادی (۱۳۹۲)	آنچه منجر به رابطه قوی‌تر با مکان می‌شود، مشارکت و دلبستگی با مکان به‌واسطه فعالیت‌های موجود در آن است و در سطوح آخر حس مکان احساس یکی بودن و تعهد کامل با مکان به‌دلیل معناهای شکل گرفته در ذهن انسان‌ها، مشاهده می‌شود.
۱۱	پروشانسکی	او عوامل مؤثر بر تقویت حس مکان را دلبستگی به مکان-هویت مکان-تعامل محیطی-ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط می‌داند.
۱۲	کرسول	مکان را ترکیبی از ماده، معنی و عمل می‌داند. در مدل ترسیمی او، مکان اتصال شخص با فعالیت و عملکردهایی است که از نظر جغرافیایی مکانمند هستند. این پدیده از سطح شخصی آغاز می‌شود و تا سطح مرتبط با تجربیات زیسته وسعت می‌یابد.

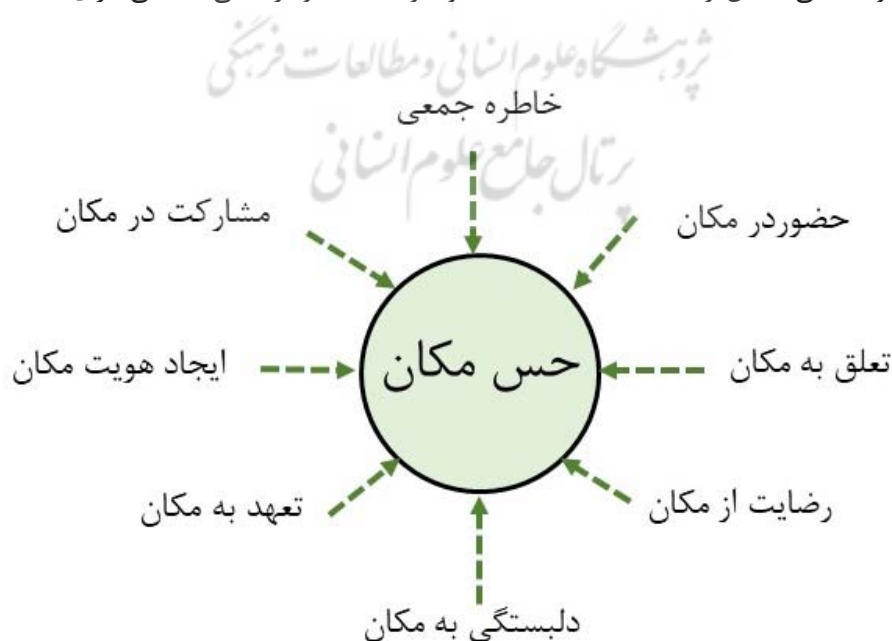
اطلاق می‌شود که باعث ایجاد تعلق، هویت و معنا برای فرد یا جمعیت می‌شود. منظر نقش مهمی در شکل‌گیری حس مکان دارد، زیرا تصویر زیبای یک فضا را به نمایش می‌گذارد و با تحریک حواس پنج‌گانه، تجربه حسی و روحانی را برای انسان فراهم می‌آورد. انسان نیز با تعامل خود با فضا و منظر، عوامل فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شخصی خود را در آن منعکس کرده و روح یک مکان را تولید می‌کند. بنابراین، رابطه حس مکان با منظر و انسان یک رابطه دوطرفه است که هم به عوامل کالبدی و غیرکالبدی فضا بستگی دارد و هم به عوامل ذهنی و عاطفی انسان (رشید کلویر، عباس‌زاده دیز، اکبری و شاهرودی کلور، ۱۳۹۸). از جمله عوامل مؤثر بر حس مکان خاطرۀ جمعی است که در ادامه به تفصیل به این موضوع پرداخته می‌شود.

– خاطرۀ جمعی و تأثیر آن بر تداوم مکان

از دید هالبواکس، خاطرۀ جمعی، خاطرۀ ای فرافردی و ظرفیتی روان‌شناسی است که به‌طور اجتماعی بروز می‌یابد. همه آن چیزهایی که به‌طور گزینشی و توافق‌شده توسط اعضای یک گروه به یاد می‌آید و هم‌چون اسطوره در ذهنشان جای می‌گیرد. رون آیرمن، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه بیبل آمریکا، در کتاب «شوک فرهنگی: بردگی و شکل‌گیری هویت آفریقا-آمریکایی» از قول برنهاردگیسن عنوان می‌کند که خاطرۀ جمعی به‌صورت یک نقشه زمانی، یک ملت یا یک جامعه را از طریق زمان یا فضا به هم پیوند داده، به هویت فردی شکل می‌دهد. کوین لینچ در این رابطه وجود یک تصویر ذهنی واضح از مکان زمانی را مانند وجود یک تصویر ذهنی-فضایی برای سلامت روانی افراد در

(Shamai, 1991; Kaltenborn, 1998). آن‌چه از تعاریف حس مکان مشخص است، حس مکان در طول زمان و با توجه به درک افراد، میزان حضور و مشارکت وی در مکان، به نوعی بسته به کیفیت و وضوح منظر ادراک‌شده از مکان، متفاوت است. برای افزایش حس مکان و درنهایت ایجاد هویت مکان، دانستن عوامل تأثیرگذار در سطوح مختلف حس مکان بسیار ضروری است (تصویر ۳). این عوامل را می‌توان به‌عنوان معیارهای سنجش وجود حس مکان و درنهایت هویت مکان دانست. با توجه به مطالب بیان‌شده، آن‌چه در سطوح اولیه حس مکان دیده می‌شود بیش‌تر مربوط به عوامل فیزیکی و حضور فیزیکی در یک مکان است. در سطوح میانی حس مکان، آن‌چه منجر به رابطه قوی‌تر با مکان می‌شود، مشارکت و دلبستگی با مکان به‌واسطه فعالیت‌های موجود در آن است و در سطوح آخر حس مکان احساس یکی‌بودن و تعهد کامل با مکان به‌دلیل معناهای شکل‌گرفته در ذهن انسان‌ها، مشاهده می‌شود (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲). در اصل حس مکان نوعی ارتباط ذهنی، عاطفی و عملکردی افراد با یک‌جا را توضیح می‌دهد. اغلب، این حس سبب می‌شود افراد نسبت به مکان‌های خاصی احساس تعلق پیدا کنند یا معانی آن مکان را درک کنند (Tuan, 1993). پس حس مکان ارتباطی تنگاتنگ با منظر دارد و عوامل مؤثر بر حس مکان تماماً لایه ذهنی منظر در مکان را تشکیل می‌دهند.

رابطه حس مکان با منظر و انسان یک موضوع پیچیده و چندبُعدی است که در زمینه‌های مختلفی مانند جغرافیا، روان‌شناسی، هنر و معماری مورد بررسی قرار گرفته است. حس مکان به ادراک ذهنی و عاطفی انسان از یک فضا یا محیط



تصویر ۳. حس مکان و فاکتورهای وابسته به آن. مأخذ: نگارندگان.

از نظر خصوصیات کیفی متداوم هستند. روان‌شناسان معتقدند این خصوصیات کیفی از قبیل جایگاه و ویژگی‌هایی نظیر رنگ، بافت و... هستند (Hall, 1998). اگرچه پدیده‌ها ممکن است دستخوش تغییراتی شوند، اما می‌توانند هم‌چنان متداوم و پایدار باقی بمانند. تداوم به مفهوم ثبات و پویایی هم‌زمان است. این تغییرپذیری در طول زمان نکته کلیدی در ارتباط با عناصر ماندگار است. در واقع، ماندگاری به معنی تغییرپذیری است به‌صورتی که تغییرات آن بسیار زیاد و قابل توجه نباشد (Carmona, 2021).

بنابراین دیرپایی زمانی نیز در بحث ثبات و در کنار تغییرپذیری قابل توجه است. به‌نظر می‌رسد یکی از روندهای خالقانه پویا که تداوم را در پی خواهد داشت ارزشیابی و نشانه‌گذاری قدسی در شهر است که سبب بازتولید و یا حذف و زوال بارهای معنایی در طول زمان می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۸). علاوه بر این، در ارتباط با تداوم مدلول مکان، بیان داشته‌اند، بخش‌هایی از شهر که در طول زمان برجا می‌مانند حس پیوستگی و استمرار در مکان را ایجاد می‌کنند (ibid.). برخی معتقدند این پیوستگی و استمرار نیاز به متصل کردن زمان با مکان دارد. در واقع، اهمیت ذهن نیز در ادراک معنی تا حدی است که روان‌شناسان تصویرسازی ذهن انسان را معادل معنی‌سازی می‌دانند (Moazzeni Khorasgani & Villalobos, 2023). با توجه به این موارد، به‌نظر می‌رسد با مطالعه ماندگاری ذهنی، معانی تداوم‌یافته آشکار می‌شوند. در واقع همان‌طور که پیشتر به آن اشاره شد، تداوم به مفهوم ثبات و پویایی هم‌زمان است. پویایی نکته کلیدی در ارتباط با عناصر ماندگار است و به این معنی است که سیر تحولات پیوسته بوده و قابل توجه نباشد. ثبات نیز طبق فرضیات هال از حیث روابط، جایگاه و سایر ویژگی‌های کیفی در راستای برقراری تداوم اهمیت می‌یابد (Hall, 1998). بنابراین، دیرپایی زمانی کیفیت‌ها نیز در بحث ثبات و در کنار تغییرپذیری قابل توجه است.

اتصال به زمان و امکان بازیابی خاطرات و تجارب گذشته، عاملی تأثیرگذار در ارتباط با مکان و ادراک حس مکان است که با عنوان روایتگری شناخته می‌شود و این مهم می‌تواند در بافت‌های تاریخی بسیار تأثیرگذار باشد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• منظر روایتگر

صحبت از تبیین روایت در وهله نخست تعریف مفهوم روایت را ضرورت می‌بخشد. از دیدگاه لمن روایت توصیفی از آنچه روی داده است و در قالب زنجیره‌ای از رخدادها فهم می‌شود. بر این اساس یک روایت ماهیتاً برحسب وضعیت «این واقعه، آن‌گاه آن واقعه» ساختار می‌یابد (Lemon, 2023). روایت، کهن‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار انتقال معنا در طول تاریخ تمدن بوده است. بازنمایی فضای واقعی یا خلق فضای خیالی و موقعیت‌هایی که

محیط لازم می‌داند (Lynch, 1972). مواجهه ما با اشیاء و مکان‌های به‌جامانده از گذشته، این قدرت را دارد که حس روشنی از گذشته خویش را در ما ایجاد کند؛ که این امر، رابطه تنگاتنگی با هویت شخصی و هویت مکانی دارد، که ایجاد هویت مکانی نیز خود، موجب ارتقای حس مکان خواهد شد (Hull IV, Lam & Vigo, 1994).

آلدو روسی معمار نو خردگرای ایتالیایی، نخستین کسی است که مفهوم خاطره جمعی هالبوا کس را وارد ادبیات معماری و شهرسازی کرد. روسی در بخشی از کتاب مشهورش «معماری شهر»، از شهر به‌مثابه تاریخ یاد کرده و به دو روش تاریخی نگاه به شهر اشاره می‌کند. نخست «شهر به‌مثابه یک عنصر مصنوع مادی که ردپای زمان بر روی آن به چشم می‌خورد» و دیگر تاریخ به‌مثابه مطالعه ساختار شکل‌گیری مصنوعات شهر (Rossi & Tarragó, 1982). شهر خود، خاطره جمعی مردمش است و مانند خاطره در پیوند با اشیاء و مکان‌ها است. شهر تجلی‌گاه خاطره جمعی است. بنابراین، رابطه میان این تجلی‌گاه و شهروندی، تصور غالب شهر از معماری و منظر را می‌سازد، هنگامی که مصنوعات مشخص به بخشی از خاطره تبدیل می‌شود، تصویر جدیدی در ذهن پدیدار می‌شود (ibid.). جک نسر، صاحب تئوری «تصویر ذهنی-ارزیابانه» محیط، در کتابی به همین نام ضمن اشاره به اهمیت ارزیابی در رفتارها دو عامل نقش‌انگیزی افراد، با خلق عبارت مهرانگیزی شهری و ایجاد تأثیر عاطفی و حسی قوی را بر مهرانگیزبودن مکان مؤثر می‌داند. از دید او، اهمیت تاریخی یکی از پنج عاملی است که بر ترجیحات عاطفی و حسی افراد و از طریق آن بر مهرانگیزی یک مکان مؤثر است (Nasar & Jones, 1997). مطالعات نسر به‌طور ضمنی نشانگر تأثیر خاطرات بر حس تعلق افراد به مکان است. بدین ترتیب و به‌عبارتی دیگر می‌توان اتصال به زمان (خاطرات، امیدها و...) را یکی از عوامل ایجاد حس تعلق به مکان دانست (پاکزاد، ۱۳۸۸). خاطرات جمعی در پیوند با اشیاء و مکان‌های به‌جامانده از گذشته، از طریق ایجاد حس روشنی از گذشته مشترک، از عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان هستند. هم‌چنین این خاطرات با ایجاد پیوند میان اعضای جامعه، موجب ایجاد انسجام اجتماعی و تقویت روحیه جمعی و مشارکت‌پذیری افراد جامعه می‌شوند. در واقع خاطره جمعی نقطه مشترکی در منظر ادراک‌شده و رابط گروهی از شهروندان با مکانی خاص است که امکان بازیابی آن با حس مکان و تداوم حیات مکان ارتباط مستقیم دارد.

منظور از تداوم در زبان فارسی، ماندگاری و جاودانگی آن در طول زمان است. پدیده‌های پایدار از نظر فضایی-زمانی و هم‌چنین

روایتی است که سطح دیگری از واقعیت وجودی آدمیان را که مملو از آرزوها، آرمان‌ها، باورها و اسطوره‌هایشان است، تولید، بازتولید و محافظت می‌کند. از این رو حفاظت از روایتگری منظر در روند دخل و تصرف‌های صورت‌گرفته در مکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرگونه جانمایی و یا هم‌نشینی نادرست می‌تواند روایت مکان را تحت تأثیر قرار دهد و پیامد آن ارتباط با مکان، حس مکان و نهایتاً حس تعلق به مکان را متأثر گرداند. این مهم در بافت‌های تاریخی شهر از اهمیت دوچندان برخوردار است که موضوع اصلی این نوشتار است.

• چارچوب نظری رویکرد منظر در بازآفرینی بافت‌های شهری تاریخی

چنان‌که قبلاً اشاره شد، منظر تصویری آمیخته از ارزش‌های مکان، روایتی از تجربه مکان و خاطرات فردی و جمعی در پیوند با اشیاء و مکان‌های به‌جامانده از گذشته است که می‌تواند در نوع ارتباط حس مکان با احساس تعلق، خاطره‌انگیزی و ... ارتباطی مستقیم دارد. لذا در محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی، منظر می‌تواند نقش کل‌نگرانه در راستای پایداری و بازآفرینی بافت‌های شهری تاریخی ایفا کند. نگاه منظرین و مدیریت آن در واقع بستری توأمان از ایجاد معنا و تداوم آن را در بافت‌های تاریخی می‌تواند ایجاد کند. این بستر نگاهی کل‌نگر به بافت‌های تاریخی است که به بازآفرینی و باززنده‌سازی آن‌ها منجر خواهد شد (تصویر ۴).

بحث

مکان‌ها و بافت‌های تاریخی پتانسیل‌هایی را در بستر خود نهفته دارند. در بافت‌های تاریخی منظر و روایتگری آن خوانشی متفاوت نسبت به دیگر مکان‌ها دارد. خوانشی برگرفته از متنی دارای ارزش‌های ماورا مکان‌هایی که انسان‌ها در سایر فضاها تجربه می‌کنند. لذا منظر در بافت‌های تاریخی متنی است که خاطرات جمعی در گذر زمان، فعالیت‌های اجتماعی پویا در دوره‌های مختلف و معانی متفاوت در هر زمان با کالبدی و به‌واقع قصه شهر را روایت می‌کند. در حقیقت قصه شهر و تجربه انسان از مکان در دوره‌های مختلف تاریخی توسط منظر روایت می‌شود. در ادامه با توجه به مدل مفهومی پژوهش، محله پشت گنبد اصفهان به‌عنوان نمونه موردی به لحاظ مدیریت منظر، خاطرات جمعی، روایتگری مکان و نحوه مداخله مورد بررسی قرار می‌گیرد. این محله در طول زمان از صفویه تاکنون تغییراتی در کالبد و بافت اجتماعی داشته و دارای پتانسیل‌هایی متناسب با زمینه مورد پژوهش حاضر است. وجود المان‌ها و شاخصه‌های تاریخی در بافت محله و در مجاورت آن اهمیت این محله را دوچندان می‌کند. لیکن دخل و تصرف‌های صورت‌گرفته در بافت فارغ از ارزش‌های منظرین

شخصیت‌های داستان در آن زندگی را به نحوی تجربه می‌کنند که در راستای زندگی مخاطبان داستان، آموزه‌ای برای آنان داشته باشد، سازوکار ماهوی روایت است.

فضای ساخته‌شده نیز حاوی و راوی فراز و فرود سرگذشت و سرنوشت افراد و جوامعی است که در حیات تاریخی خود تجارب زیسته‌شان را برای نسل‌های آینده و در مقیاس کلان‌تر برای همه آحاد جامعه انسانی فراتر از قیود زمان و مکان، بازگو کرده‌اند. بنابراین مواجهه با فضا و به‌صورت خاص مکان، خوانش داستانی است که در آن، چه آشکار و چه نهان، آموزه‌های زندگی و فراز و نشیب‌های آن مستتر است و فهم آن، وابسته به میزان درک و سطح برداشت مخاطب از اثر است. منظر هر مکان متنی روایی است.

منظر به‌مثابه یک متن روایی، ماهیتی زمانمند و معاصر و فرایندی است که حاصل تأویل و بازآفرینی معنای متن است. زمانمند شدن فرایند خوانش منظر به‌مثابه متن روایی، محصول مناسباتی است که از آن به روابط بینامتنی تعبیر می‌شود. بینامتنیت متضمن ارتباط لایه‌های یک پدیده با لایه‌های سایر پدیده‌ها است که این ارتباط سبب تطور رمزگان‌های زیبایی‌شناختی و اجتماعی منظر به‌مثابه متن در دو نوع رابطه هم‌زمانی و در زمانی می‌شود (رئیس‌ی و نقره‌کار، ۱۳۹۴، ۷) و مخاطب به یاری افق دلالت‌های معنایی، دانش معاصر خود و مناسبات بینامتنی، یعنی رابطه‌ای که این متن با خواننده‌ها و دانسته‌های پیشین خواننده دارد، به خوانش متن می‌پردازد. بدین ترتیب متن سوژه‌های زیادی دارد که بر خوانش آن تأثیر می‌گذارد و راه را برای کثرت معنایی متن باز می‌کند (رحیمی اتانی، بذرافکن و رئیس‌ی، ۱۳۹۹). بنابراین متن روایی منظر هم در جریان ایجاد و هم در جریان خوانش اثر تحت تأثیر سوژه بینامتنی قرار می‌گیرد و مخاطب به‌وسیله یک فرایند میان‌ذهنی به خوانش آن می‌پردازد. بر این اساس، منظر، حاصل بازآفریدن هر باره متن در تجربه‌ای تازه و سفری متفاوت است که در میان کنش افق‌های معنایی مخاطب و متن، هر لحظه نو می‌شود.

فهم و خوانش منظر در بافت‌های تاریخی شهر به‌عنوان گونه‌ای از منظر روایی نیز تحت تأثیر سوژه بینامتنی است و به حضور در شهر و بافت‌های مذکور وابسته است تا لایه‌های مختلف آن تشخیص داده شود و البته پیش‌دانسته‌های تاریخی، پیش‌داوری‌ها و خاطرات فردی و جمعی مخاطب، متونی هستند که به‌صورت سببی بر خوانش و فهم روایت منظر در این مکان‌ها مؤثر است.

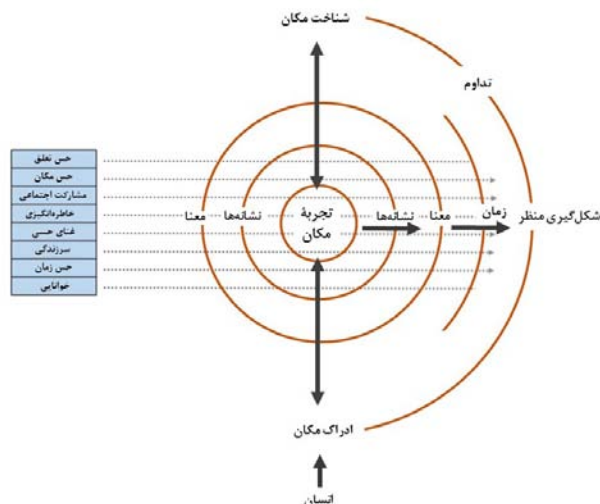
با توجه به تعریف و تبیین ارائه‌شده از این گونه می‌توان گفت که منظر به‌واسطه خصلت عینی-ذهنی و فرازمانی خود روایتگر معنای مکان در قالب احساسات، فعالیت‌ها و مشارکت‌های اجتماعی آن است. منظر به‌عنوان پیونددهنده انسان و مکان،

در عین حفظ بافت و زندگی سکونتی، نقش ملی، منطقه‌ای نیز ایفا سازد و حیثیتی جدید و خاص بیابد (کرباسی و سلطانی، ۱۳۸۳).

محلۀ پشت گنبد در پشت مسجد شیخ لطف‌الله قرار دارد و از بخش‌های قدیمی و تاریخی شهر اصفهان به‌شمار می‌آید. پس از گذر زمان و پس از تشکیل و ساخت میدان نقش جهان در دوران صفوی و خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی اول حدود و ثغور این بخش از شهر و محلات پیرامونی آن به شکل کنونی درآمده است (فتحی و رفوف، ۱۳۹۹). محلۀ پشت گنبد در موقعیت تاریخی خود از شمال به گذر ساروتقی، از شرق به گذر شیروانی‌ها، از غرب به میدان نقش جهان و از جنوب به گذر و بازار چهارسوق مقصود محدود می‌شده است (تصویر ۶).

وجود کاروانسراهایی در شمال و جنوب بازار مقصودبیک از دوران صفویه در عکس‌های اشمیت مشهود است که به ترتیب شامل کاروانسرا نخجوانی و کاروانسرا مقصودبیک است. در حال حاضر سرای نخجوانی‌ها به جز دو ساختمان خود به مکانی فرسوده تبدیل شده است که به‌عنوان پارکینگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. در محل کاروانسرای مقصودبیک نیز از دوران پهلوی و معاصر خانه‌های مسکونی ساخته شده است. مسکونی بودن این منطقه از زمان رضاخان و با استناد به نقشه سید رضاخان کاملاً مشخص است. در میانه بافت موجود به خانه‌ای برخورد می‌کنیم تصویر ۷ که از زمان صفویه باقی مانده است (کرباسی و سلطانی، ۱۳۸۳).

با احداث خیابان‌های حافظ و نشاط در دوره پهلوی بخشی از این محله، از هسته اصلی آن جدا شد. با بررسی‌های صورت گرفته



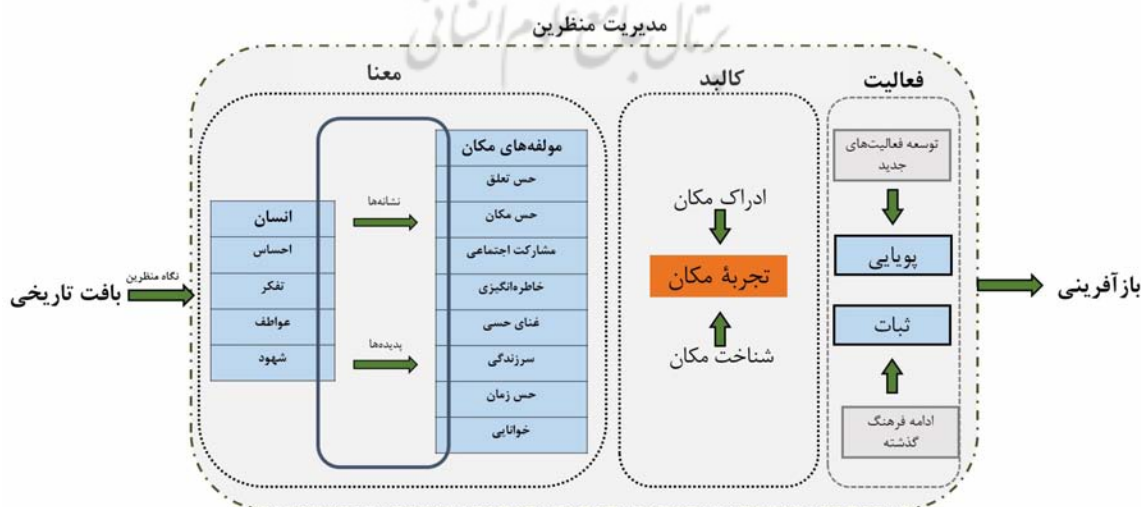
تصویر ۴. منظر و مؤلفه‌های انسانی و مکانی مؤثر در شکل‌گیری آن. مأخذ: نگارندگان.

انجام گرفته است که در ادامه مورد توجه قرار گرفته است (تصویر ۵).

نگاه منظر به‌عنوان رویکردی جدید در احیا و بازآفرینی بافت‌های تاریخی به‌عنوان یک مکان می‌تواند به حفظ ارزش‌های ملموس و ناملموس این مکان‌ها و تداوم هویت کمک کند و در مقیاسی بزرگ‌تر، روایت تاریخ شهر را حفظ و بیان کند. منظر محوطه‌های تاریخی متنی غنی است و هرگونه مداخله، تغییر و تعامل با آن بدون خواندن و درک روایت مربوطه غیرممکن است (Moazzeni Khorasgani, Villalobos & Eskandar, 2023).

• معرفی محلۀ پشت گنبد اصفهان

محلۀ پشت گنبد در حال حاضر از مناطق کور و گرہ‌خورده پیرامون میدان نقش جهان به‌شمار می‌آید که با توجه به موقعیت خاص خود، می‌تواند

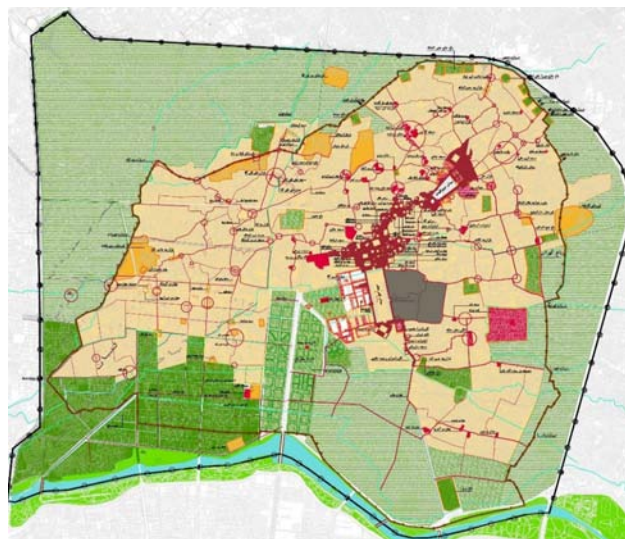


تصویر ۵. مدل مدیریت منظرین در بازآفرینی منظر در بافت‌های تاریخی. مأخذ: نگارندگان.

بر روی نقشه‌های سید رضاخان (۱۳۰۲) عکس هوایی سال ۳۵ و نقشه‌های موجود امروز شهر اصفهان به نظر می‌رسد که این منطقه تا قبل از اجرای پروژه خیابان آقاجفی دچار تغییرات بسیار نشده بوده است. به جز تخریب حمام سنگ و بخشی از کاروانسرا و تبدیل شدن تعدادی از خانه‌های انتهایی این محله به خانه‌های نوساز و جایگزین شدن آن‌ها به جای خانه‌های حیاط مرکزی سابق، تغییرات دیگری به چشم نمی‌خورد. تقریباً می‌توان گفت که محله پشت گنبد انسجام بافتی خود را کاملاً حفظ کرد و هنوز شکل اولیه و طبیعی خود را از دست نداده بود و با اندک تغییرات می‌توانست دوباره زنده و پویا شود.

احداث خیابان آقاجفی - ضرورت‌ها و تغییرات

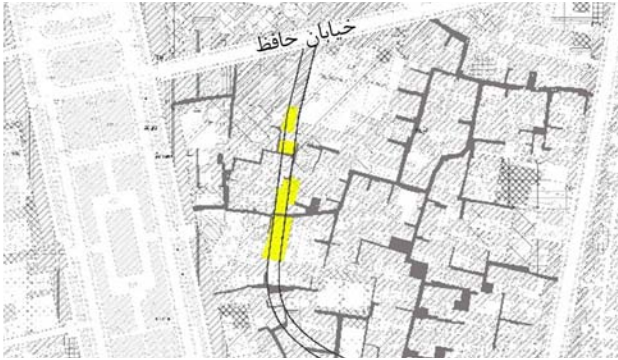
در سال‌های گذشته و بنا به ضرورت‌هایی تصمیم به احداث خیابانی در محدوده این محله توسط مراجع بالادستی شهر اصفهان گرفته شد. در طرح جامع شهری اصفهان تهیه شده



تصویر ۶. نظام محلات و ساختار تاریخی. مأخذ: مهندسین مشاور باوند، ۱۳۹۴.



کارندان



تصویر ۸. خانه‌های تاریخی تخریب‌شده در مسیر احداث گذر آقاجفی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۹. خانه‌های تاریخی تخریب‌شده در مسیر احداث گذر آقاجفی. مأخذ: نگارندگان.

سیمای محله پشت گنبد پرداخته و دخالت‌ها مقایسه شده است (تصاویر ۱۰ و ۱۱). از دوره قبل از احداث خیابان‌ها در دوره پهلوی تا بعد از احداث گذر آقاجفی مابین این واقعیت است که عناصر و شاخص‌های تاریخی این محل که دست‌مایه هویتی آن است در حال از بین رفتن و تغییر هستند. تا جایی که محله‌ای با قدمت تاریخی دچار گسست‌هایی کالبدی و معنایی از درون خود شده است.

در سال ۱۳۸۵ و به تبع آن در نقشه طرح تفصیلی مصوب و ابلاغ‌شده در سال ۱۳۹۰ این گذر در طرح‌های بالادستی گنجانده شده است. در صورت جلسه کمیسیون طرح تفصیلی این پروژه (بند ۱۵ صورت جلسه کمیسیون طرح تفصیلی اصفهان مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴) چنین ذکر شده است که طرح تفصیلی گذر آقا نورالله نجفی حد فاصل خیابان حافظ و نشاط در راستای حذف حرکت سواره از عرصه میدان نقش جهان و به منظور احیا و باززنده‌سازی بافت فرسوده و ناکارآمد محدوده شرق میدان و ارتقاء کیفیت محیطی این محدوده و در جهت تحقق اهداف ذیل با توجه به طرح ارائه‌شده و به عرض حداکثر ۱۴ متر و با توجه به توضیحات نماینده شهرداری و میراث فرهنگی به تصویب رسید (ذیل صورت جلسه کمیسیون طرح تفصیلی مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴). این گذر ارتباط بافت مسکونی محله را با بدنه میدان نقش جهان قطع می‌کند. علاوه بر آن موجب تخریب بافت بین گذر و بدنه میدان نقش جهان شده است. نکته قابل تأمل در صورت جلسه فوق اطلاق کلمه بافت فرسوده و ناکارآمد شهری به این محله است. گرچه در بندهای مختلف این صورت جلسه به مداخله حداقلی در این محله ذکر شده است ولی حتی در ارائه طرح اولیه نیز تعدادی از خانه‌های با ارزش تاریخی یا تخریب شده‌اند یا بافت مسکونی اطراف آن‌ها از بین رفته و در معرض خطر قرار گرفته‌اند (تصاویر ۸ و ۹). بناهای با ارزش تاریخی مشخص شده با رنگ زرد در اثر احداث خیابان تخریب شده‌اند.

با توجه به شاخص‌ها و فاکتورهای به دست آمده در مطالعات نظری این پژوهش می‌توان اهداف طرح گذر آقاجفی را بنا بر **جدول ۲** مورد مطالعه و سنجش قرار داد:

در طرح احداث گذر آقاجفی این گونه به نظر می‌رسد که به منظر تاریخی محله نه از بُعد کالبدی و نه از جنبه فعالیت‌ی و معنایی توجهی صورت نگرفته است. حذف و یا عدم توجه به شاخص‌های تاریخی محله، تخریب کالبدی بخشی از بافت تاریخی و تقسیم محله به دو بخش **تصویر ۱۲** و به تبع آن از بین رفتن خاطره جمعی در نتیجه احداث این گذر اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد در طراحی این گذر صرفاً مداخله عملکردی در بافت صورت گرفته و نگاه منظرین به این بافت صورت نگرفته است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، منظر تصویری آمیخته از ارزش‌های مکان، روایتی از تجربه مکان و خاطرات فردی و جمعی و عامل پیوند انسان با اشیاء و مکان‌ها است که وجه ذهنی و ارزیابی شده آن در شهر، محلات و بافت‌های شهری سیما نامیده می‌شود و عناصر سازنده لبه‌ها، گره‌ها و ... است. از این رو رویکرد مداخله در عناصر سازنده سیما در بافت‌های تاریخی می‌تواند علاوه بر نوع ارتباط شهروندان با این مکان‌ها، بر این کیفیاتی چون حس مکان، حس تعلق و ... نیز اثر گذارد. از این رو در **جدول ۳** به بررسی نحوه مداخله در عناصر سازنده

تبیین ویژگی‌های کاربردی منظر در باز آفرینی بافت‌های تاریخی...

جدول ۲. مقایسه رویکردهای مدیریت منظرین با طرح گذر آقاجفی. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	طرح گذر آقاجفی	شاخصه‌های رویکرد منظر در بافت‌های تاریخی
۱	تقسیم محله به دو بخش و تقطیع جریان محلی-تسهیل دسترسی سواره- افزایش دسترسی سواره نیاز به پارکینگ را در سایت افزایش می‌دهد که برنامه یا طرحی برای آن ارائه نشده است-در طرح تفصیلی شهرداری مکلف به ارائه طرح بدنه‌سازی و ... شده است.	توسعه بناها، بافت‌ها و خدمات شهری
۲	تخریب بناهای تاریخی موجود و از بین بردن انسجام بافت تاریخ محله پشت گنبد	حفاظت و مرمت بناها و بافت‌های تاریخی
۳	با توجه به اهداف طرح نه تنها فعالیت جدیدی در بدنه‌های خیابان در نظر گرفته نشده و برای توسعه کاربری‌ها موجود و هم‌جواری آن‌ها نیز راهکاری ارائه نشده- با توجه به وجود نمادها و شاخصه‌های تاریخی این محل از جمله گنبد شیخ لطف‌الله و سایر بناهای تاریخی موجود، در ارائه طرح توجهی به آن‌ها صورت نگرفته است.	توسعه فعالیت‌های جدید-توسعه نشانه‌ها و نمادها
۴	مطالعاتی در این راستا صورت نگرفته است.	ادامه فرهنگ گذشته
۵	مطالعاتی در این راستا صورت نگرفته است.	روایت آرمان‌ها، آرزوها، باورها و اسطوره‌ها
۶	مطالعاتی در این راستا صورت نگرفته است.	بیان رویدادها به صورت معنادار و قابل فهم
۷	مطالعاتی در این راستا صورت نگرفته است.	ابزار انتقال معنا و کنش خلق فضا
۸	اجرای طرح بیش‌تر در راستای تخریب بافت‌ها و بناها پیش رفته است.	ارتقاء کیفیت کالبدی بناها و بافت‌های تاریخی
۹	دسترسی‌های محلی تسهیل شده است و تکمیل طرح موجب افزایش فعالیت‌های سواره در این محله خواهد بود-برنامه مدونی برای افزایش مشارکت‌های مردمی وجود ندارد.	تداوم فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت مردمی- سرزندگی اجتماعی
۱۰	با تخریب این بافت بخش زیادی از خاطرات جمعی با توجه به تخریب کالبد طرح از بین می‌رود، ماهیت تهی‌گونه میدان نقش جهان نیز با تهی شدن بافت‌های تاریخ در معرض خطر قرار می‌گیرد.	پیوند خاطره جمعی با مکان و تقویت حس تعلق- تداعی خاطره‌ها
۱۱	این طرح موجب گسست کالبدی و به طبع آن اجتماعی شده است. در این زمینه هم مطالعاتی صورت نگرفته است.	انسجام اجتماعی و پیوند میان اعضای جامعه

جدول ۳. مقایسه عناصر شهری در سیر تحول محله تخت گنبد. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	عناصر محلی	قبل از احداث خیابان‌های دوره پهلوی	بعد از احداث خیابان‌های پهلوی	بعد از احداث خیابان آقاجفی
۱	لبه‌ها	گذرهای تاریخی سارتنی، مقصودبیک، شیروانی و بدنه میدان نقش جهان	خیابان حافظ، خیابان نشاط، گذر مقصودبیک و بدنه میدان نقش جهان	خیابان حافظ، خیابان نشاط، خیابان آقاجفی
۲	گره‌ها	چهارسوق مقصود، چهارراه کرمانی، جلوخان مسجد مدرسه ملاعبداللّه، تقاطع گذر شیروانی‌ها و یزدخواستی	چهارراه شکرشکن، چهارسوق مقصود	نقطه اتصال گذر آقاجفی به گذر چهارسوق مقصود
۳	نشانه‌ها	گنبد شیخ لطف‌الله، باغ شیدالعراقین، گذرهای تاریخی، سرای سارتنی، حمام سنگ	گنبد شیخ لطف‌الله، گذرهای تاریخی، سرای سارتنی،	گنبد شیخ لطف‌الله
۴	مسیرها	گذرهای تاریخی با بدنه‌های تجاری و یا مسکونی به همراه ساباط‌ها و شاخص‌های تاریخی	خیابان‌هایی با بدنه تجاری و مؤلفه‌های معماری پهلوی	خیابان‌هایی با بدنه تجاری و مؤلفه‌های معماری پهلوی
۵	حوزه‌ها	حوزه میدان نقش جهان و جلوخان مسجد شیخ لطف‌الله، حوزه باغ سیدالعراقین، حوزه تجاری شمالی محله شامل سراها و کاروان‌سراهای تاریخی، حوزه مسکونی هسته مرکزی محله	حوزه میدان نقش جهان و جلوخان مسجد شیخ لطف‌الله، حوزه تجاری شمالی و شرقی محله شامل بدنه‌های تجاری، حوزه مسکونی هسته مرکزی محله	حوزه تجاری شمالی و شرقی محله شامل بدنه‌های تجاری، حوزه مسکونی هسته مرکزی محله



تصویر ۱۰. گذرهای محله تاریخی تخت گنبد در سال ۱۳۸۸. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



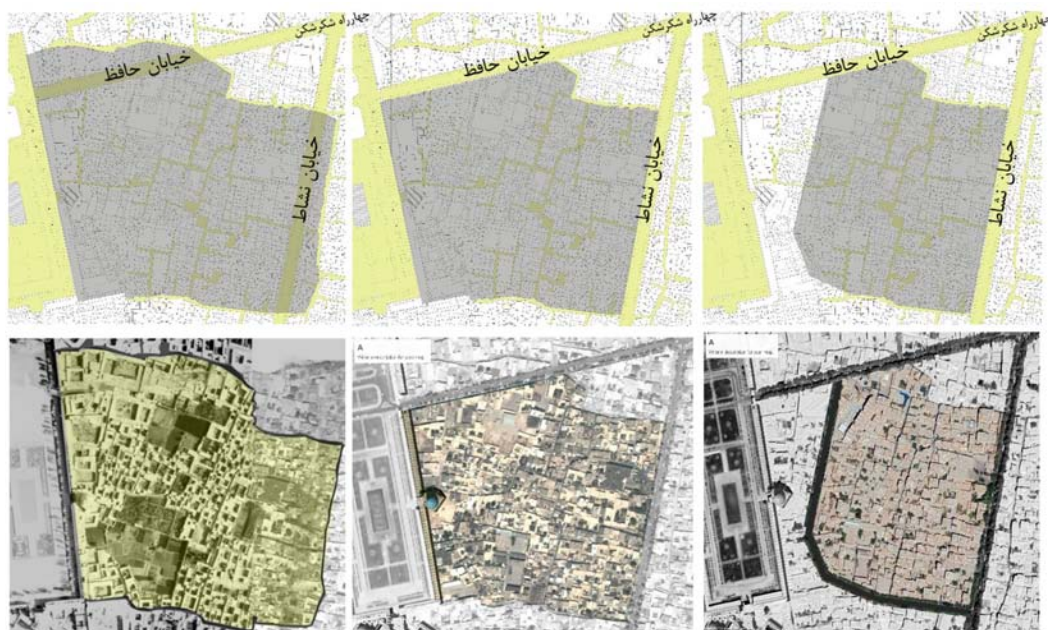
تصویر ۱۱. گذرهای محله تاریخی تخت گنبد پس از اجرای طرح خیابان آقاجفی در سال ۱۴۰۱. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

نتیجه‌گیری

تاریخی نمی‌تواند متضمن بازآفرینی درست و پایدار شهری در یک بافت تاریخی باشد (تصویر ۱۲). نظر به پتانسیل‌های غنی نگاه منظرین به خصوص در بُعد منظر ذهنی (خاطرات جمعی و روایتگری منظر)، این مهم می‌تواند عاملی کارگشا در تداوم حیات بافت‌های تاریخی و بازیابی حس مکان در این حوزه‌های ارزشمند باشد و این دقیقاً همان چیزی است که در طرح‌های بازآفرینی محل تخت گنبد مغفول واقع شده و منجر به شکست آن‌ها شده است. جمع‌آوری تجارب پروژه‌های بازآفرینی شهری با نگاه کل‌نگر (منظرین) و هم‌چنین بررسی نظرات صاحب‌نظران و متخصصین این حوزه و از همه مهم‌تر تحلیل نظرات ساکنان این بافت‌های تاریخی (روایت منظر بافت را چگونه می‌خوانند و چگونه ادراک می‌کنند) و نقد بررسی و تحلیل آن‌ها می‌تواند عاملی مؤثر در عملیاتی کردن رویکرد منظرین و دستیابی به نگاه جمعی در بازآفرینی شهری تاریخی ایجاد کند.

در جهت ارائه مدلی مفهومی تصویر ۱۳ از طراحی منظر در بازآفرینی پایدار بافت‌های تاریخی می‌توان گفت گام اول بررسی، شناخت و تحلیل مسائل و فرصت‌های این بافت‌های تاریخی، تهیه اطلاعات و تکمیل داده‌ها است که در این راستا هم منابع تاریخی و هم خاطرات جمعی ساکنین می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. گام دوم نیل به شناختی همه‌جانبه از مسائل جاری (کالبدی، فعالیتی و معنایی) مربوط به بافت‌ها و بررسی همه‌جانبه جوانب عینی و ذهنی آن‌ها است که راه را برای

منظر به‌عنوان یک نظم نوین و مرتبط‌کننده انسان با مکان می‌تواند در ایجاد کیفیاتی چون حس مکان و حس تعلق به مکان و ... مؤثر باشد. حس تعلق عامل مؤثر در تداوم مکان است. مکان تاریخی فی‌ذاته متنی غنی است که به‌واسطه منظر، روایت می‌کند و قابل خوانش می‌شود. خوانش روایت منظر ارتباط انسان با مکان را میسر می‌سازد که در ایجاد حس تعلق و خاطره جمعی و عواملی که مشارکت اجتماعی را ایجاد و تقویت می‌کند تأثیر بسزایی دارد. نگاه منظرین نگاهی کل‌نگر به همه عوامل و فاکتورهای اثرگذار در بافت‌های تاریخی در راستای نیل به تداوم هویت و ارتباط همه‌جانبه شهروندان با این مکان‌ها در فرایند بازآفرینی است. منظر با روایتگری به معرفی بیشتر مکان می‌پردازد و با کنشگری خود در تقویت حس مکان و حس تعلق مؤثر است. منظر مکان‌های تاریخی در اصل متنی غنی است که هرگونه دخل و تصرف، تغییر و تعامل با آن بدون قرائت و ادراک روایت آن میسر نیست و از این حیث، قرابت با رویکردهای منظرین در هرگونه دخل و تصرف را طلب می‌کند. به‌کارگیری رویکرد منظرین در بازآفرینی و احیای بافت‌های تاریخی می‌تواند به تداوم امکان خوانش درست متن منظر و ادراک روایت تاریخی مکان در بافت‌های تاریخی کمک کند و تقویت پایداری شهرهای تاریخی را به همراه داشته باشد. بررسی محله تخت گنبد نشان می‌دهد توجه صرفاً کالبدی و حل مسائل مربوط به دسترسی‌ها و ارتباطات در یک بافت



تصویر ۱۲. سیر تغییرات محله تخت گنبد از قبل از دوره پهلوی تاکنون. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۳. مدل مفهومی منظر در بافت‌های تاریخی. مأخذ: نگارندگان. آفانجفی در سال ۱۴۰۱. مأخذ: نگارندگان.

گام‌های بعدی هموار می‌کند. گام دوم با تأکید بر استفاده از رویکرد منظرین بایستی انجام شود و به‌عنوان ابزاری جهت تشخیص نوع و میزان فاکتورها و عوامل مداخله‌کننده در بافت‌های تاریخی و نوع مکانیزم مداخله و برنامه‌ریزی جهت بافت‌های تاریخی است. در گام سوم راهکارها و راهبردهایی در جهت هدف‌گذاری‌های صورت‌گرفته در گام‌های قبلی و تعیین رویکرد بازآفرینی، روش سنجش، کنترل و مانیتورینگ آن‌ها ارائه می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتر «علی مؤذنی» تحت عنوان «مدیریت منظرین و تداوم حیات بافت‌های تاریخی» است که با راهنمایی دکتر «مهدی حقیقت‌بین» و مشاوره دکتر «محمد رضا بمانیان و کیانوش سوزنچی» در دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۴۰۲ به انجام رسیده است.

فهرست منابع

- ابوبی، رضا و دانایی‌نیا، احمد. (۱۳۹۰). نقش مشارکت مردمی در کاهش خسارات ناشی از زلزله در بافت‌های تاریخی. *مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی*، (۲)، ۵۳-۶۲.
- انصاری، مجتبی. (۱۳۹۶). منظر شفاف‌بخش: چالش‌های نظری و روش‌شناسی. *فصلنامه علمی-پژوهشی هنر و معماری*، (۲۵)، ۵-۱۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)، از فضای تا مکان*. تهران: انتشارات شهیدی.
- پورجعفر، محمد رضا و رضایی‌راد، هادی. (۱۳۹۲). مدیریت بافت‌های تاریخی - فرهنگی با تعیین عرصه‌های بحرانی به کمک منطق فازی با استفاده از GIS. *مطالعات مدیریت شهری*، (۱۵)، ۱-۱۲.
- حیدری، محمد. (۱۳۹۸). *خوانش منظر باستان‌شناسی (بازسازی لایه‌های ادراکی و اکولوژیکی)* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد معماری منظر). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- رحیمی اتانی، سمیرا؛ بذرافکن، کاوه و رئیس‌ی، ایمان. (۱۳۹۹). بازخوانی اثر معماری به کمک مدل نقد بینامتنی؛ نمونه موردی: مسجد ولیعصر. *باغ نظر*، ۱۷، (۸۳)، ۴۱-۵۲.
- رشید کلویر، حجت‌الله؛ عباس‌زاده دیز، فاطمه؛ اکبری، حسن و شاهرودی کلور، مرضیه. (۱۳۹۸). بررسی حس تعلق به مکان از منظر شاخص‌های کالبدی و غیرکالبدی در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی (مطالعه موردی: شهر تبریز). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، (۲)، ۶-۱۹۵-۲۱۵.

- Pacific.
- Hall, P. G. (1998). *Cities in Civilization*. V. 21. New York: Pantheon Books.
 - Hull IV, R. B., Lam, M. & Vigo, G. (1994). Place identity: symbols of self in the urban fabric. *Landscape and Urban Planning*, 28 (2-3), 109-120.
 - Kaltenborn, B. P. (1998). Effects of the sense of place on responses to environmental impacts: A study among residents in Svalbard in the Norwegian high Arctic. *Applied Geography*, 18 (2), 169-189.
 - Lemon, M. A. (2023). My Career Accomplishments, Experiences, and Work-Life Balance. *Perspectives of Earth and Space Scientists*, 4 (1), CN000208.
 - Lynch, K. (1972). *The openness of open space*, *Arts of environment*. Chicago: Aidan Ellis.
 - Moazzeni Khorasgani, A. & Villalobos, M. H. (2023). Mindscape and Its Effect on Cities' Sustainability: A Case Study of Bronzeville Neighborhood Chicago. *Chinese Journal of Urban and Environmental Studies*, 2350016.
 - Moazzeni Khorasgani, A. M., Villalobos, M. H. & Eskandar, G. A. (2023). Sustaining Historic Cities: An Approach Using the Ideas of Landscape and Place. *ISVS e-Journal*, 10 (1), 320-332.
 - Nasar, J. L. & Jones, K. M. (1997). Landscapes of fear and stress. *Environment and Behavior*, 29 (3), 291-323.
 - Norberg-Schulz, C. (1981). Chicago: vision and image. In M. Casari & V. Pavan (Eds.), *New Chicago Architecture*. Chicago: Pavan.
 - Rapoport, A. (1982). *Urban design and human systems: On relating buildings to the urban fabric*. In *Human and energy factors in urban planning: a systems approach*. Springer: Dordrecht.
 - Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. *The Modern Urban Landscape*. London: Pion Limited.
 - Rossi, A. & Tarragó, S. (1982). *La arquitectura de la ciudad*. Barcelona: Gustavo Gili.
 - Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22 (3), 347-358.
 - Stedman, R. C. (2002). Toward a social psychology of place: Predicting behavior from place-based cognitions, attitude, and identity. *Environment and Behavior*, 34 (5), 561-581.
 - Tuan, Y. F. (1993). *Passing strange and wonderful: Aesthetics nature and culture*. New York: Island Press.
 - رئیسی، محمدمنان و نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۴). هستی‌شناسی معنا در آثار معماری. *هویت شهر*، ۹ (۲۴)، ۵-۱۶.
 - صفامنش، کامران و منادی‌زاده، بهروز. (۱۳۸۲). ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر. *گفتگو*، (۱۸)، ۳۳-۵۴.
 - فارسی آستانه، ندا؛ حقیقت‌بین، مهدی و رهبرنیا، زهرا. (۱۴۰۱). رخداد تعامل در منظر و اثرگذاری مؤلفه‌های انسانی و محیطی بر آن. *منظر*، (۶۱)، ۷۶-۸۹.
 - فتحی، میلاد و رئوف، محمدمهدی. (۱۳۹۹). احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان. *پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی اسلامی*، ۶ (۳)، ۲۹-۴۸.
 - فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). تبیین یک الگوی هویتی ترکیبی شهری در جهت پیشرفت و توسعه کشور. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷ (۲۲)، ۱۰۳-۱۴۱.
 - فلاحت، محمدصادق؛ کمالی، لیلیا و شهیدی، صمد. (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. *باغ نظر*، ۱۴ (۴۶)، ۱۵-۲۲.
 - کاشی، حسین و بنیادی، ناصر. (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن (نمونه موردی: پیاده‌راه شهر ری). *معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)*، ۱۸ (۳)، ۴۳-۵۲.
 - کرباسی، عاطفه و سلطانی، علی. (۱۳۸۳). طراحی معماری پشت گنبد مسجد جامع عباسی اصفهان (خلاصه پایان‌نامه). *اثر*، ۲۵ (۳۶)، ۲۸۵-۲۹۰.
 - مثنوی، محمدرضا. (۱۳۸۲). توسعه پایدار و پارادایم‌های جدید توسعه شهری (شهر فشرده و شهر گسترده). *محیط‌شناسی*، ۳۱ (۱)، ۸۹-۱۰۴.
 - منصوری، سید امیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. *باغ نظر*، ۱ (۲)، ۶۹-۷۸.
 - منصوری، سید امیر و فرزین، محمدعلی. (۱۳۹۵). رویکرد منظرین در طراحی شهر، روش‌شناسی طراحی شهری. تهران: پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر.
 - منصوری، مریم‌السادات. (۱۳۸۷). منظر، مکان، تاریخ. *باغ نظر*، ۵ (۹)، ۸۱-۹۰.
 - نظام محلات و ساختار تاریخی. (۱۳۹۴). مهندسين مشاور باوند، آرشیو سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان، ایران.
 - Berque, A. (2010). Territoire et personne: l'identité humaine. *Desigualde & diversidad-Rivista de viesna socials da PUC-Rio*, 6, 35-37.
 - Carmona, M. (2021). *Public places urban spaces: The dimensions of urban design*. London: Routledge.
 - Collot, M. (2011). *Thought-Landscape, Philosophy, Arts, Literature*. Paris: Actes Sud.
 - Dominy, M. I. C. H. E. L. E. (2002). *Houses Far from Home: British Colonial Space in the New Hebrides*. London: The Contemporary

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مؤذنی خوراسگانی، علی و حقیقت‌بین، مهدی. (۱۴۰۲). تبیین ویژگی‌های کاربردی منظر در بازآفرینی بافت‌های تاریخی، مطالعه موردی: محله تخت گنبد اصفهان. *منظر*، (۶۵)، ۳۲-۴۵.



DOI: 10.22034/MANZAR.2023.384644.2223

URL: https://www.manzar-sj.com/article_177436.html